ادامه از صفحه ۵

«پیمان‌های پولی دوجانبه» سراب یا واقعیت؟

پیمان‌های پولی، «دوجانبه» هستند و هر دو کشور باید تمایل به تجارت با ارزهای طرف مقابل را داشته باشند. این در حالی است که نه مقامات که غیر از ایران که تمایل دارد «ریال» به‌جای «دلار» استفاده کند، طرف مقابل نیز تمایل به دریافت پول‌ایران را ندارد. علاوه بر این، عدم توانایی تأمین تضامن و پیش‌پرداخت جهت کشایش اعتبار اسنادی توسط شرکت‌های داخلی یکی از مهمترین مشکلات فعال‌شدن اعتبارات خارجی در شرایط تحریم ایالات متحده است.

یکی دیگر از مشکلات عملی‌ساختن پیمان‌های پولی، «نرخ بهره» است. فرض کنید کشور «چین» پذیرفته است که در پیمان پولی دوجانبه ارزیال ایران به جای دلار در مبادلات تجاری استفاده کند، با توجه به سطح تورم وجود دارد که تورم می‌تواند بیش از ۱۰ درصد تبدیل دنیا به دلار انجام می‌شود) شناخته شده است. نوسانات اندک آن در درازمدت است. اما تغییرات مکرر ارزهای دیگر مانند ریال و یوان و روبل و... باعث می‌شود منابع مناسبی برای تسعیر ارز دوجانبه در دسترس نباشد. از آنجا که تسویه‌حساب پیمان‌های پولی در بازه‌های مختلف (مثلا هر سه ماه) صورت می‌پذیرد، هر میزان تسعیر که در نظر گرفته شود در درازمدت باعث هدررفت سرمایه و ارزش پول کشورها خواهد بود. در این شرایط چنانچه قرار شود ارز کشورها برمبنای دلار، تسعیر شود، بانک‌ها اصطلاحا مجبور به «لمس دلار» شده و سیستم دیجیتیک خزانه‌داری آمریکا می‌تواند آن را تشخیص دهد و از تبادل ارزها جلوگیری کند.

یکی دیگر از مشکلات اجرائی‌شدن پیمان‌های پولی، اعتبار ارزهای موردتبادل است. یوان چین، بن زاپن یا یورو، در بازارهای جهانی به راحتی در تبادل هستند، چراکه تنوع کمی و کیفی تجارت کشورهای صاحب آنها زیاد بوده و باعث می‌شود قابلیت نقدپذیری این ارزها مضاعف شود. اقتصاد قوی و متنوع این کشورها، اطمینان‌خاطر را به دریافت‌کنندگان ارزهای آنها می‌دهد که ارز در اختیار آن قابل نقدشدن است؛ یعنی یک تاجر آلمانی می‌داند با داشتن یوان می‌تواند کالا یا خدماتی را در چین تهاتر کند. اما صادرات عمده ایران صرفا محدود به فروش نفت و مشتقات آن بوده. ازاین‌رو تنوع خریدار و فروشنده و تقاضا برای ریال وجود ندارد. ضمن آنکه نقدشوندگی ریال ایران در تجارت جهانی تقریبا صفر است. از طرف دیگر، نقطه قوت پیمان‌های پولی تقاضا برای «کالای سرمایه‌ای» (مثل نفت) است که در قبال آن کالای واسطه‌ای یا مصرفی در دوکتاب «جمهوری اسلامی» و «حکومت اسلامی» به موضوعی پرداخته است؛ می‌فرمایند که مردم باید در انتخاب آزاد باشند. صد بار نیز که شنیده‌اند کسانی که می‌گویند «اگر کروه دلسوزی حتی بحث دخالت کند و طبق نظر خود چیدمان کند و سعدی را در اختیار مردم بگذارد تا زمین آنها که خود می‌بسند دست به انتخاب بزند، این رویکرد سبب رشدنگردن جامعه می‌شود، مردم باید تمرین کنند تا بلد بگیرند خوب انتخاب کنند. انتخاب‌های اسلامی- اسنانی می‌تواند کیفیت کار مجلس را به‌طور مستقیم بالا ببرد.

۷. وزارت اطلاعات علاوه بر رصد مخاطرات و تهدیدها، تمهیدها را نیز بررسی و گزارش کند؛ به تهیه بانک اطلاعاتی منابع انسانی کشور کمک کند. شخصیت‌های داخل مجلس علمی و معنوی شناسایی و پیشنهاد شود. دستگاه‌های اجرائی خود را متعهد به استفاده از نظر

نسل جدید دلالان در راهند

دلار ۴۲۰۰ تومانی محصول ترس از بین رفتن کارنامه پنج ساله بود

محمد مساعد، بدرام سلطانی، تایپ‌رایتر اتاق بازرگانی ایران، با چهره‌ای آراسته و کراوات‌های همیشه زیبا و خوش‌رنگی که مرکز بر کردنش غایب نیست، نمادی از طبقه‌ای تازه از سرمایه‌داران ایرانی است که پس از طی دوره مصادره‌ها، جنگ، انحصار طلایی حکمی بازاری‌ها و تعدیل اقتصادی سر آورده‌اند، نسلی که نه می‌توان آنها را به رژیم سابق متصل کرد، نه در شلاق‌های کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک را برپشت و یا دارند. نسلی نوکه خود بیش از همه آگاه است که چگونه امروز در مظان اتهام قرار گرفته و ازاین‌رو نه فقط محرکه و صریح سیاست اقتصادی دولت را نقد می‌کند؛ بلکه علیه فساد و پنهان‌کاری عضو قوه نیز (دست‌کم در گفتار) می‌شود و رانت‌خواران و نوکیسگان را جماعتی با تعداد اندک و قدرت زیاد توصیف می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، حاصل گفت‌وگوی من با بدرام سلطانی درباره اقتصاد ایران و آینده بازار است:

بگذارید سؤال اول را کمی شخصی‌تر بپرسم. فعالان اقتصادی ایرانی بر اساس تجربیات تاریخی معمولا کمتر در عرصه عمومی ظاهر می‌شوند؛ با این حال، مدتی است که شما همه‌جا در تویتر درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اظهارنظرهای جالبی می‌کنید. به نظر می‌رسد جددن از سنت تاریخی پردنشینی سرمایه‌داران ایرانی تبعیت نمی‌کنید و فعالانه در عرصه عمومی حضور دارید. علتش چیست؟

شبکه‌های مجازی ابزاری شده‌اند تا افراد بتوانند خودشان رسانه خودشان باشند و افکار و عقاید خودشان را بدون واسطه و بدون تغییر، تحریف و سانسور به‌صورت مستقیم و با سرعت بالا منعکس کنند و به مخاطبان برسانند. به نظر من طبیعتا توییتر یکی از این امکانات است و در زمینه اعلام نظرهای کوتاه مختصر و مفید، رسانه مناسب و شبکه اجتماعی بسیار مؤثری است و من هم مثل خیلی از افراد فکر کردم که می‌توانم از این امکان استفاده کنم. زمانی تلقی من این بود که عضویت و فعالیت در توییتر به‌دلیل فیلتربودن این شبکه غیرقانونی است ولی دیدم که دیده نمی‌شود. بسیاری از مسئولان از حساب‌های مختلف در توییتر فعال‌اند. متوجه شدم تصور غلطی هم اشتباه بوده است بنابراین در توییتر فعال شدم. اغلب نقطه نظرات من به‌دلیل فعالیت و دغدغه‌هایی که دارم، اجتماعی و اقتصادی است و اظهارنظرهای سیاسی نمی‌کنم و تجربه‌های هم در ایران زمینه ندارم. البته ممکن است به‌دلیل رویکرد بعضی از اظهار نظرهایم تصور شود اظهار نظری سیاسی مطرح کرده‌ام، حرف‌اینکه او که رسانه‌های آن توجه کند می‌بینید که در واقع به معضل اجتماعی یا اقتصادی اشاره کرده‌ام.

به مهم‌ترین مسئله اقتصادی ایران برسال ۹۷ بپردازیم. به عنوان یکی از شناخته‌شدترین فعالان بخش خصوصی در ایران، می‌توانید به ما بگویید برندها و بازنده‌های اصلی تصمیمات ارزی دولت درشش ماه اخیر چه کسانی بوده‌اند؟

تقریبا همه ملت ایران، اعم از طبقه عادی، بخش خصوصی و دولت بازنده این تاکزآمدی و تصمیمات اشتباه بودند. قشر بسیار کوچک و انگشت‌شمار یک‌دهم‌درصد جامعه هم نمی‌شوند و همه تمرکزش بر بیشینه‌کردن درآمدهایشان از طریق دلالی و پولشویی بدون توجه به آثار درازمدت این‌گونه فعالیت‌ها است، برنده این نظام و اتفاقات بودند. اگر بخواهیم اقتصاد ملی را به‌عنوان شاخص در نظر بگیریم، اقتصاد ملی ما از دی‌ماه تا امروز برخی شاخص‌ها و زیادی نشد. دلیلش این است که با داده شد و نرخ تورم افزایش پیدا کرد و آثار منفی‌اش را نرخ رشد اقتصادی و اشتغال در ماه‌های آینده خواهیم دید. بنابراین وقتی اقتصاد کشور بازنده باشد، یعنی همه بازنده‌ایم و من از این بابت عملیات‌های داخلی و بانکی با ایران داشته و خواهد داشت.

شماره ۳۲۲۸

«بیمان‌های پولی دوجانبه» سراب یا واقعیت؟

بیمان‌های پولی، «دوجانبه» هستند و هر دو کشور باید تمایل به تجارت با ارزهای طرف مقابل را داشته باشند. این در حالی است که نه مقامات که غیر از ایران که تمایل دارد «ریال» به‌جای «دلار» استفاده کند، طرف مقابل نیز تمایل به دریافت پول‌ایران را ندارد. علاوه بر این، عدم توانایی تأمین تضامن و پیش‌پرداخت جهت گشایش اعتبار اسنادی توسط شرکت‌های داخلی یکی از مهمترین مشکلات فعال‌شدن اعتبارات خارجی در شرایط تحریم ایالات متحده است.

یکی دیگر از مشکلات عملی‌ساختن پیمان‌های پولی، «نرخ بهره» است. فرض کنید کشور «چین» پذیرفته است که در پیمان پولی دوجانبه ارزیال ایران به جای دلار در مبادلات تجاری استفاده کند، با توجه به سطح تورم وجود دارد که تورم می‌تواند بیش از ۱۰ درصد تبدیل دنیا به دلار انجام می‌شود) شناخته شده است. نوسانات اندک آن در درازمدت است. اما تغییرات مکرر ارزهای دیگر مانند ریال و یوان و روبل و... باعث می‌شود منابع مناسبی برای تسعیر ارز دوجانبه در دسترس نباشد. از آنجا که تسویه‌حساب پیمان‌های پولی در بازه‌های مختلف (مثلا هر سه ماه) صورت می‌پذیرد، هر میزان تسعیر که در نظر گرفته شود در درازمدت باعث هدررفت سرمایه و ارزش پول کشورها خواهد بود. در این شرایط چنانچه قرار شود ارز کشورها برمبنای دلار، تسعیر شود، بانک‌ها اصطلاحا مجبور به «لمس دلار» شده و سیستم دیجیتیک خزانه‌داری آمریکا می‌تواند آن را تشخیص دهد و از تبادل ارزها جلوگیری کند.

یکی دیگر از مشکلات اجرائی‌شدن پیمان‌های پولی، اعتبار ارزهای موردتبادل است. یوان چین، بن زاپن یا یورو، در بازارهای جهانی به راحتی در تبادل هستند، چراکه تنوع کمی و کیفی تجارت کشورهای صاحب آنها زیاد بوده و باعث می‌شود قابلیت نقدپذیری این ارزها مضاعف شود. اقتصاد قوی و متنوع این کشورها، اطمینان‌خاطر را به دریافت‌کنندگان ارزهای آنها می‌دهد که ارز در اختیار آن قابل نقدشدن است؛ یعنی یک تاجر آلمانی می‌داند با داشتن یوان می‌تواند کالا یا خدماتی را در چین تهاتر کند. اما صادرات عمده ایران صرفا محدود به فروش نفت و مشتقات آن بوده. ازاین‌رو تنوع خریدار و فروشنده و تقاضا برای ریال وجود ندارد. ضمن آنکه نقدشوندگی ریال ایران در تجارت جهانی تقریبا صفر است. از طرف دیگر، نقطه قوت پیمان‌های پولی تقاضا برای «کالای سرمایه‌ای» (مثل نفت) است که در قبال آن کالای واسطه‌ای یا مصرفی در دوکتاب «جمهوری اسلامی» و «حکومت اسلامی» به موضوعی پرداخته است؛ می‌فرمایند که مردم باید در انتخاب آزاد باشند. صد بار نیز که شنیده‌اند کسانی که می‌گویند «اگر کروه دلسوزی حتی بحث دخالت کند و طبق نظر خود چیدمان کند و سعدی را در اختیار مردم بگذارد تا زمین آنها که خود می‌بسند دست به انتخاب بزند، این رویکرد سبب رشدنگردن جامعه می‌شود، مردم باید تمرین کنند تا بلد بگیرند خوب انتخاب کنند. انتخاب‌های اسلامی- اسنانی می‌تواند کیفیت کار مجلس را به‌طور مستقیم بالا ببرد.

۷. وزارت اطلاعات علاوه بر رصد مخاطرات و تهدیدها، تمهیدها را نیز بررسی و گزارش کند؛ به تهیه بانک اطلاعاتی منابع انسانی کشور کمک کند. شخصیت‌های داخل مجلس علمی و معنوی شناسایی و پیشنهاد شود. دستگاه‌های اجرائی خود را متعهد به استفاده از نظر

جناب رئیس‌جمهور، رؤسای قوای مقننه و قضائیه، چرا این‌طور شد؟ (۲)

مراد راهداری - عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور

۱. مدیران اجرائی عالی‌رتبه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به فرمایش مقام معظم رهبری، جزا مانند دزدهایی تمام ملی قوتیال خوج و جانانه عمل نمی‌کنند؟ جزء از سطح ملی احجا نشده‌اند و از رقابت اجتماعی بیرون کشیده نشده‌اند. فَسَتَبْقُوا الخیرات (مائده/۴۸ و بقره/ ۱۴۸). اعضای کنیه قوتیال از درون مسابقات محلی، شهری، استانی، لیگ دسته سه، دو و یک رشد کرده‌اند و بیرون کشیده شده‌اند؛ از میان فامیل و دوستان محدود انتخاب نشده‌اند، به‌جای رقابتی‌سازی مدیریت‌ها که مبتنی بر کارآمدی است، رقابتی ساخته‌اپم و با ارتباطات و شرط و شروط نتایج مطابع با حجم، کار و رشد می‌کنیم. سازوکار انتخاب و رشد مدیران باید بر پایه سلامت در کار، موفقیت و کارآمدی باشد.

۲. در انتخابات مجلس، پس از احراز شرایط قانونی ازسوی وزارت کشور که نامزدها منطبق بر قانون تبنتام شده باشند، تایید نهادهای چهارگانه (اطلاعات، انتظامی، دادسرا و تبناحوال) به‌منظور احراز صلاحیت کفایت می‌کند. علاوه بر آن، نظارت بر حجم انتخابات از سوی کارگزاران وزارتخانه‌های مرتبط نگهبان و وزارت اطلاعات نیز ضرورتی ایجاب‌نابذیر است که استفاده از ابزاری ناممنوع و رقابتی انتخاباتی را مهار می‌کند. هر حجم انتخابی که نظارت‌ها می‌پذیرفته‌اند، اما نظارت استصوابی که بعد از ارتجال حضرت امام (ره) اعلام و سپس قانون نیست که مصلحت جامعه نیست. شهید علی‌اکبر مثال مناسبی در دوکتاب «جمهوری اسلامی» و «حکومت اسلامی» به موضوعی پرداخته است؛ می‌فرمایند که مردم باید در انتخاب آزاد باشند. صد بار نیز که شنیده‌اند کسانی که می‌گویند «اگر کروه دلسوزی حتی بحث دخالت کند و طبق نظر خود چیدمان کند و سعدی را در اختیار مردم بگذارد تا زمین آنها که خود می‌بسند دست به انتخاب بزند، این رویکرد سبب رشدنگردن جامعه می‌شود، مردم باید تمرین کنند تا بلد بگیرند خوب انتخاب کنند. انتخاب‌های اسلامی- اسنانی می‌تواند کیفیت کار مجلس را به‌طور مستقیم بالا ببرد.

۳. دستگاه‌های اجرائی عالی‌رتبه، تمهیدها را نیز بررسی و گزارش کند؛ به تهیه بانک اطلاعاتی منابع انسانی کشور کمک کند. شخصیت‌های داخل مجلس علمی و معنوی شناسایی و پیشنهاد شود. دستگاه‌های اجرائی خود را متعهد به استفاده از نظر کارشناسی و تشخیص هدف‌بند، به اینکه این دستگاه نظارتی از سوابق منفی فردی گزارش کند ولی رشد مصاعف کند، مثلا کسی که به شهرداری می‌رسد و طبق نظر وزارت اطلاعات، به دلیل فساد اقتصادی در دوره استانداری، اعتبارنامه‌اش از سوی وزارت کشور امضا نمی‌شود. چگونه تلید صلاحیت می‌شود و به‌عنوان شخص سیاسی کشور می‌رسد؟! دو دوره دوم پول نفت را به نام سوء سیاه عدالت میان مردم توزیع می‌کند. درحالی‌که در سال اول واگذاری سیماه و بنوی برگزاری مجامع سالانه و شفافیتی بیش. آن هم در روزهای تبلیغات انتخابات که ممنوع بود، این تخلف (حرب رای) اتفاق می‌افتد! (طبق دستورالعمل صادرشده از مقام معظم رهبری، قرار بود تا پنج سال بود به مشمولان بعد از مجامع توسعه‌یافته، این نظارت‌ها به بودن به‌عنوان سیاه‌دار اصلی برسد). رشد فساد و مدیریت نامطلوب مساجد، صرف‌نظر از اینکه نشان از شکست در مدیریوری است، گویای ناکارآمدی حرکتی هم هست. نظر بر عملکردها، باید جدا از مدیریت‌ها باشند. چرا اجرای طرح‌ها و تولید در بخش عمومی با هزینه‌هایی به‌مراتب بیشتر از بخش خصوصی انجام می‌شود؟

۴. کشور ما با این حجم منابع مختلف و موقعیت ژئوپلیتیک بسیار مناسب، نباید معضل اقتصادی داشته باشد؛ معضل ما ناشی از مدیریت ناصواب است. نمی‌دانیم چگونه از این منابع به‌درستی استفاده نمی‌کنیم. دولت کارآفرین نیست؛ بنابراین علاوه بر اینکه باید نظام اقتصادی مدیریتی را مبتنی بر رصد شایسته‌ها کنیم، تصمیمات و سیاست‌ها نیز باید سند و پشتوانه مطالعاتی داشته باشند و کانون توجه سیاست‌ها مطابق با چشم‌انداز فضای کسب‌وکار مفید نیست، اشتغال‌زایی کمه. تولید در طرح عرضه اقتصاد از لب‌به‌توجه به اقشار آسیب‌پذیر جامعه در طرف تقاضا باشد. همواره از سیاست‌ها بر تولید و فقر تحلیل شود و آثار منفی مهار شود.

۵. از تحلیل حساسیت سازوکار جامعه به سیاست‌ها نباید غفلت شود. اینکه از توزیع برنج، گوشت و روغن و... قدرزایی کرد. باید جلوی سیاست‌های فقرزا را گرفت. مثل افزایش حجم پول بی‌رویه و تولید توم بالا. سیاست‌های مبتنی‌بر بطالبه و بدون پشتوانه علمی کمر اقتصاد کشور را شکسته است. حتی بارانه‌ها و توزیع پول، طرح‌هایی نظیر انتقال آب خزر به کویر، شهرسازی‌های پتروشیمی، مکان‌یابی صنایع فولاد، ایجاد مناطق آزاد، ادغام دستگاه‌های اجرائی یا تفکیک آنها و... همه باید تقلیدی نباشند و سند مطالعاتی داشته باشند! با سرمایه فکری محدود علمی در وقت رسانه راهبری مطالعه شود تا طبق آیات قرآن بهترین مؤثرترین اخذ شده باشد و سبب پشیمانی نشود.

۵. طبق آیه ۱۸ سوره زمر، مهروار اجازه نقد و بررسی اندیشه‌ها و عملکردها به فرهیختگان داده شود و مطوعات آزاد باشند و بتوانند به شفاف‌رسانی کمک کنند. بهترین نظارتی بر حسن اجرای برنامه‌ها و فراخور عملکرد ملت هستند که از طبق مطبوعات می‌توانند تصمیم‌ساز باشند. تصمیم‌گیران حق دارد از این تصمیم‌سازان محروم نکنند و تقدیدپر باشند. آیات متعدد قرآن در باره امر به معروف و جامعه بدون این خصوصیات جزای نمی‌شود.

۶. نهادهای آموزشی و پرورشی، اعم از متوسطه و عالی، علمپرور باشند. به تولید مدرک نپردازند. محقق سازنده و علاقمند علم باشند تا محصولات آنها ظرفیت علمی منابع انسانی کارآمد در را جامعه بالا برد. دانشگاه اجازه نداشته باشد دانش‌آموخته کمبود تحویل جامعه دهد. همه باید ملت علوم‌پزشکی پس از گذراندن دروس تعریف‌شده، آزمون بررسی صلاحیت داشته باشند. اشتغال نابسته‌سالار، سبب می‌شود که فرزندان ما با انگیزه بیشتر درس بخوانند و مطالعه کنند؛ چون اشتغال آنها مبتنی بر توانایی بیشتر خواهد بود. به مبتنی بر روابط. برای تولید منابع

نسل جدید دلالان در راهند

دلار ۴۲۰۰ تومانی محصول ترس از بین رفتن کارنامه پنج ساله بود

خودشان کلایتیان را وارد می‌کردند. می‌توانم بگویم آنچه در بحث فشار و رانت اتاق افتاد تکرار سیاست‌های غلطی بود که متاسفانه بخشی از ذخایر ما را به باد داد و ثروت عمومی را به نوعی متصحل کرد. اما ای کاش دولت درست مدیریت کند که تعاتلش بعد از این دامن‌گیر نشود. بسیار نگرانم این رعب که در بازار افتاده است. ماه‌های آینده خودش را با کمبود کالا نشان دهد و با بروز دسل با کروه جدیدی از افراد سودجو در حوزه تجارت؛ چون گروهی که برای آبروبیش ارزش و احترام قائل‌اند. افراد خوشنامی هستند و سال‌ها کار کرده‌اند اصلا حوصله و توجه این افراد نیست که بخواهند محتکر و سود سرشار باشند و به تجارتشان اتمام دهند، کار را رها می‌کنند و فکر می‌کنند چه کسانی جایشان را می‌گیرند؟ یک عده که اصلا در کار و تجربه اصالت ندارند و طبیعتا آن کروه توانشان برای کنترل و تامین بازار چون تجربه کمتری دارند. ضعیف‌تر هستند. باید به اینها توجه کنیم. البته کنیم اتاق تفکری را فاقد است که مرتب همه و به چهره رانت‌خوار و سودجو می‌بینند. یعنی از ریشه‌زدن بخش خصوصی کشور کشوری که ادعا می‌کند باید اقتصاد را به دست بخش خصوصی و به دست مردم بسپارد. الان ریشه همان‌ها را می‌زند. اقتصاد دولتی‌تر، غیرشفاف‌تر و راتی‌تر می‌شود و کسانی که وارد می‌شوند باید اتصالشان با قدرت محکم‌تر باشد و تمام مسیر رفته را اگرچه لکه‌لیکنان رفتیم، اما همین‌ها را متاسفانه یک شبه به قهقرای قبل برمی‌گردند.

راهکارشما به‌عنوان یکی از نمایندگان بخش خصوصی در شرایطی که کشوروضعت مطلوبی نداشته‌اند، چیست؟ چه باید کرد که هم شاهد احتکار کالاهایی مثل دارو نباشیم و هم به قول شما تاجری که با سابقه است و اعتبار دارد، به خاطر انبارگردانی کارش دچار مشکل نشود.

از شما سؤال می‌کنم. ذهن افکار عمومی باید روشن شود که اصلا احتکار یعنی چی؟ شما احتکار را تعریف کنید.

پنهان‌کردن کالایی که نیاز ضروری جامعه است و به هدف کسب سود غیرمتعارف انبارش می‌کنید.

همین تعریف شما را میزا فرار می‌دهیم. الان در بازار کشورمان در زمینه چه کالایی با کمبود جدی مواجه هستیم؟

دارو.

چیز دیگری به ذهن شما می‌رسد؟

درشرایط فعلی‌نیست.

پس چرا انبار لوازم خانگی، برنج، روغن، شکر و امثالهم را می‌گیرند؟ مگر الان در بازار کمبود شکر و برنج و روغن داریم؟ اینجاست که به شما می‌گویم این سیاست به خطا به سمتی می‌رود که بنیان زنجیره تامین کشور را تهدید و تخریب کند. با شما همراه‌ایم. در این مقطع با کمبود تعدادی از داروها مواجه هستیم. در مورد کالای دیگر در بازار کمبود نداریم. پس احتکار به‌معنای احتکار یعنی یک بازار پر در مقابل فروشگاه‌های خالی. ما که هنوز به آنجا نرسیده‌ایم اما اگر با این وضعیت پیش برویم خواهیم رسید؛ زیرا طبیعتا کسی که به انبارش هجوم می‌آورند دفعه بعد کالایی تهیه نخواهد کرد و آن انبار خالی مانده و واقعا کمبود خواهد بود. ما درباره دارو هم باید علت‌یابی شود. تعدادی از داروها به دلیل عدم تامین و سودجویی دارات با کمبود مواجه شده‌اند. بعضی از آنها ممکن است در جایی احتکار شده باشد و باید بروم دنبالش بگردیم و پیدا کنیم که اگر کسی دارد و عرضه می‌کند، تخلف می‌کند. اما در مورد کالایی که کم نیست، جزء از مازار خارج شده‌اند؟ اجازه دهید تکلیف را با احتکار روشن کنیم. به نظرم آن عده‌ای به جای اینکه اسم مرا با نویسند، نقش مرا رد می‌کنند که این خیلی خطرناک است. یا از سر کوته‌بینی این کار انجام می‌شود. یا از سر ترس، نگرانی، رعب و وحشت به افکار عمومی است. یعنی الان افکار عمومی تشنه یافتن مختلف است. چه بهتر که یک انبار را باز کرده و در تلویزیون نشان دهند که این انبار پر از شکر و لوازم خانگی است. خب. الان عمومی با این کارها رضا می‌شود اما متاسفانه بگویم که این کار بعد از ارضای افکار عمومی، نبیش اقتصاد را بر می‌اندازد و اعتماد را نابود می‌کند و بسیار خطرناک است. اما درباره تعهد این حوزه‌ها چه کنیم؟ اول اینکه آنقدر اقتصاد مبتنی و معیوب ما بیمای‌های مختلفی دارد که به یک بیمار در بستر تبدیل شده است. یک بیماری رنج می‌برد و درمان‌کردن با شفادادنش کار ساده‌ای نیست. یک سرمامخودری نیست که بگویم سر رو در بستر باشد و آنتی‌بیوتیک بخورد خوب می‌شود. اقتصاد ما الان هم قلبش مختلف کار می‌کند. هم کلیه‌اش از کار افتاده. هم ریه‌اش پر شده. هم روزی یک‌بار دچار کوزش شدن افتاده. چنین وضعیتی را ابتدا باید با آرام‌کردن این بیمار، بیایی‌آوردن است و شروع‌کردن از حادترین یا خطرناک‌ترین بخشی که می‌تواند او را سریع‌تر از با دریابود و از بین ببرد. شروع کرد. در اقتصاد

بازنگری در سیاست‌ها جهت تأمین منافع ملی

سیدمقداد ضیاتبار احمدی - پژوهشگر

در خبرها آمده بود حیدرالعبادی، نخست‌وزیر عراق، اعلام کرده است برخلاف میل باطنی خود و صرفا برای منافع مردم کشورش از تحریم‌های آمریکا علیه ایران حمایت می‌کند. بین کشورهای همسایه کشوری را نمی‌توان پیدا کرد که به اندازه عراق وامدار ایران باشد، به‌ویژه بعد از ظهور داعش و زمانی که شهرهای بزرگ عراق در کمتر از یک ساعت به تصرف داعش درمی‌آمد. این حضور نیروهای مستشاری ایران بود که آنها را از این وضعیت تاسف‌بار نجات داد. حتی در بُعد اقتصادی نیز مراودات تجاری دو کشور به‌گونه‌ای است که در سال‌های اخیر، عراق همواره سه کشور اول مقصد کالاهای غیرنفتی ایران بوده است (سال ۹۴ رتبه دوم، سال ۹۵ رتبه سوم). اما این سخنان حیدرالعبادی یک پیام صریح و روشن به همراه دارد و آن هم اولویت منافع ملی در بزنگاه‌های تاریخی و در زمان اتخاذ تصمیمات دشوار، تنها منافع بلندمدت مردم کشور است که در اولویت قرار دارد و به جرئت می‌توان گفت این سرمایه‌ای است که در طول سه دهه گذشته و تنش‌زدایی است که منافع مردم عراق تامین می‌شود. این یک است مسأله است که متاسفانه در چند دهه اخیر سیاست‌گذاران و سیاسیون کمتر به آن توجه کرده‌اند و حتی وقتی از ظهر نخبگان علمی و دانشگاهی به ضرورت کاهش تنش در روابط بین‌المللی و در اولویت قراردادنش حفظ منافع ملی کوشرد شده، با مقاومت حیرت‌انگیز سیاست‌مداران مواجه شده است. بی‌توجهی به پیامدهای اقتصادی تصمیمات سیاسی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد اقتصادی ایران داشته است.

نکته اینکه فقط با در اولویت قراردادن منافع ملی است که می‌توان رضایت اقشار مختلف جامعه را جلب کرد و در سایه صلح، ثبات و تنش‌زدایی، به اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یافت. اهدافی مانند رفاه، رشد اقتصادی بالا و مستمر، کاهش نرخ بی‌کاری و تورم، کاهش فقر و نابرابری و نهایت توسعه اقتصادی قدم در صلح، صلح، آرامش و امنیت سازنده و با دیگر کشورهای جهان، میسر می‌شود و ثمره آنروای سیاسی چیزی جز غلبه‌مادی‌گری نخواهد بود.

تجربه کشوری مانند چین نشان می‌دهد رشد و توسعه تنها در سایه ثبات، صلح و آرامش کشور و ایجاد فضای مساعد برای فعالان اقتصادی حاصل شده است و این جمله معروف دک‌تر شیائو پینگ- رهبر اصلاحات- که ما برای بازسازی به ۵۰ سال صلح با جهان نیاز داریم، مؤید اهمیت این مسئله است. موقعیت کشور ما جزای ایران نیز به‌مثابه یک پزنگاه تاریخی برای نظام تصمیم‌گیری کلان کشور است. تصمیم دراپر مذاکره مجدد با آمریکا، تصمیم درباره بازنگری در روابط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی مثال‌هایی ازاین‌دست است. از طرفی تصمیم‌گیری در چنین مواقعی چندان هم دشوار نیست، چراکه تجربه یک کشور به جراغ راه در پیش‌روی ماست. لازمه تصمیم‌گیری مناسب در بزنگاه تاریخی، تحلیل درست از شرایط روز، کسب درست و سپس تصمیم‌گیری بدون هرگونه تعصب است. خلاصه کلام آنکه اهمیت تصمیم‌گیری در بزنگاه‌های تاریخی بیش از پیش می‌شود و به این مسئله باید توجه کرد. جامعه امروز ایران به‌مثابه کشتی‌ای است که جند شکاف عمیق در بدنه آن ایجاد شده، اما خدمه در تلاش برای نجات قلبهای کوچک افراد هستند. غافل از اینکه کشتی خودمان با خطر مواجه است و این ناسامانی محصول رویکردهایی است که در گذشته در پیستی گرفته‌ایم؛ برای مثال در سیاست خارجی، در کمتر دوره‌ای توانسته‌ایم روابط سازنده و مستمر با دیگر کشورهای جهان برقرار کنیم. در شرایط کنونی بازنگری در سیاست‌ها اجتناب‌ناپذیر است. بازنگری در سیاست‌ها می‌تواند موجب توقع و پویایی هر نظام سیاسی باشد. بازنگری از سوی اركان نظام، در مقایسه با تأکید بر برخی سیاست‌های سابق، هزینه کمتری به جامعه تحمیل خواهد کرد. به نظر نگارنده اکنون زمان بازنگری و تغییر برخی رویکردها فرارسیده است؛ برای نمونه بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای که بیش‌تر نیز مواردی از این دکر شد - کاهش تنش با جلوگیری از تشدید تحریم‌ها- به‌گونه‌ای که همه آنها منافع مردم ایران و رشد و رونق اقتصادی کشور در اولویت قرار گیرد. حتی مدعیان واقعیت ساده، پیش‌نیاز دستیابی به اهدافی است که سال‌هاست برای رسیدن به آنها برنامه می‌نویسیم، اما در پایان در تحقق اهداف این برنامه‌ها ناتوان می‌مانیم.

یادداشت

در دریاها آمده بود حیدرالعبادی، نخست‌وزیر عراق، اعلام کرده است برخلاف میل باطنی خود و صرفا برای منافع مردم کشورش از تحریم‌های آمریکا علیه ایران حمایت می‌کند. بین کشورهای همسایه کشوری را نمی‌توان پیدا کرد که به اندازه عراق وامدار ایران باشد، به‌ویژه بعد از ظهور داعش و زمانی که شهرهای بزرگ عراق در کمتر از یک ساعت به تصرف داعش درمی‌آمد. این حضور نیروهای مستشاری ایران بود که آنها را از این وضعیت تاسف‌بار نجات داد. حتی در بُعد اقتصادی نیز مراودات تجاری دو کشور به‌گونه‌ای است که در سال‌های اخیر، عراق همواره سه کشور اول مقصد کالاهای غیرنفتی ایران بوده است (سال ۹۴ رتبه دوم، سال ۹۵ رتبه سوم). اما این سخنان حیدرالعبادی یک پیام صریح و روشن به همراه دارد و آن هم اولویت منافع ملی در بزنگاه‌های تاریخی و در زمان اتخاذ تصمیمات دشوار، تنها منافع بلندمدت مردم کشور است که در اولویت قرار دارد و به جرئت می‌توان گفت این سرمایه‌ای است که در طول سه دهه گذشته و تنش‌زدایی است که منافع مردم عراق تامین می‌شود. این یک است مسأله است که متاسفانه در چند دهه اخیر سیاست‌گذاران و سیاسیون کمتر به آن توجه کرده‌اند و حتی وقتی از ظهر نخبگان علمی و دانشگاهی به ضرورت کاهش تنش در روابط بین‌المللی و در اولویت قراردادنش حفظ منافع ملی کوشرد شده، با مقاومت حیرت‌انگیز سیاست‌مداران مواجه شده است. بی‌توجهی به پیامدهای اقتصادی تصمیمات سیاسی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد اقتصادی ایران داشته است.

نکته اینکه فقط با در اولویت قراردادن منافع ملی است که می‌توان رضایت اقشار مختلف جامعه را جلب کرد و در سایه صلح، ثبات و تنش‌زدایی، به اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یافت. اهدافی مانند رفاه، رشد اقتصادی بالا و مستمر، کاهش نرخ بی‌کاری و تورم، کاهش فقر و نابرابری و نهایت توسعه اقتصادی قدم در صلح، صلح، آرامش و امنیت سازنده با دیگر کشورهای جهان، میسر می‌شود و ثمره آنروای سیاسی چیزی جز غلبه‌مادی‌گری نخواهد بود.

تجربه کشوری مانند چین نشان می‌دهد رشد و توسعه تنها در سایه ثبات، صلح و آرامش کشور و ایجاد فضای مساعد برای فعالان اقتصادی حاصل شده است و این جمله معروف دک‌تر شیائو پینگ- رهبر اصلاحات- که ما برای بازسازی به ۵۰ سال صلح با جهان نیاز داریم، مؤید اهمیت این مسئله است. موقعیت کشور کنونی ایران نیز به‌مثابه یک پزنگاه تاریخی برای نظام تصمیم‌گیری کلان کشور است. تصمیم دراپر مذاکره مجدد با آمریکا، تصمیم درباره بازنگری در روابط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی مثال‌هایی ازاین‌دست است. از طرفی تصمیم‌گیری در چنین مواقعی چندان هم دشوار نیست، چراکه تجربه یک کشور به جراغ راه در پیش‌روی ماست. لازمه تصمیم‌گیری مناسب در بزنگاه تاریخی، تحلیل درست از شرایط روز، کسب درست و سپس تصمیم‌گیری بدون هرگونه تعصب است. خلاصه کلام آنکه اهمیت تصمیم‌گیری در پزنگاه‌های تاریخی بیش از پیش می‌شود و به این مسئله باید توجه کرد. جامعه امروز ایران به‌مثابه کشتی‌ای است که جند شکاف عمیق در بدنه آن ایجاد شده، اما خدمه در تلاش برای نجات قلبهای کوچک افراد هستند. غافل از اینکه کشتی خودمان با خطر مواجه است و این ناسامانی